



تحلیل مناقشه زنگه زور از دیدگاه ژئوپلیتیک شبکه‌ای وربوفسکی

علی درزلو*^۱ - رضا دهقانی^۲

چکیده:

قفقاز به سبب موقعیت ژئوپلیتیک و همجواری با کشورهای ایران، ترکیه و روسیه نقش مهمی در معادلات منطقه‌ای داشته و در ادوار مختلف تاریخی یکی از مسیرهای مهم تردد و ترانزیت بین‌المللی بوده است. هدف پژوهش حاضر کاربست چارچوب استعاره‌ای ژئوپلیتیک شبکه‌ای به منظور تحلیل مناقشه زنگه زور است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که احداث کریدور زنگه زور چه تأثیراتی بر سیاست بین‌الملل، توازن قوا و ناپایداری مرزها خواهد گذاشت و هدف بازیگران آن در این کنشگری مناقشه آمیز چیست؟ به نظر می‌رسد با احداث احتمالی این کریدور، از قدرت کنترل واحدهای دولتی منطقه قفقاز و آسیای مرکزی کاسته شده و شاهد ظهور بازیگران جدید خواهیم بود؛ از سوی دیگر این کشورها که به صورت گره در این منطقه ژئوپلیتیکی جدید قرار دارند از اهمیت زیادی برخوردار خواهند شد. روش پژوهش در این نوشتار روش «تبیینی» است که در پی شناسایی رابطه علت و معلولی بین متغیرهای یک پدیده است.

واژگان کلیدی: قفقاز، زنگه زور، ایران، ترکیه، ژئوپلیتیک شبکه‌ای

^۱ - دانشجوی دکتری مطالعات اوراسیا، دانشگاه استانبول

ali.darzloo@ogr.iu.edu.tr

^۲ - دانشیار مطالعات ترکیه، گروه مطالعات غرب آسیا و آفریقا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

A Analysis of the Zangezur Conflict from the Perspective of Verbovski's Network Geopolitics and Its Effects on the Power of Iranian Diplomacy

Ali Darzloo³
Reza Dehghani⁴

Abstract

Due to its geopolitical position and proximity to countries like Iran, Turkey, and Russia, the Caucasus has always played a significant role in regional dynamics and has historically served as an essential route for international transit. The initial effects of this shift are seen in the emergence of new non-state actors, some sub-national, along with the destabilization of borders.

This study seeks to answer the question of what impact the construction of the Zangezur Corridor will have on international politics, the balance of power, and the stability of borders, as well as what the primary objectives of its actors are in this contentious engagement. It appears that with the potential construction of this corridor, the control of state units in the Caucasus and Central Asia may be somewhat reduced, leading to the emergence of new actors. Furthermore, these countries, positioned as nodes within this new geopolitical area, will gain exceptional importance.

The research method used in this study is a "explanatory" research approach, which seeks to identify the cause-and-effect relationship between the variables of a phenomenon.

Keywords: Caucasus, Zangezur, Iran, Turkey, Network Geopolitics

³ - PhD student in Eurasian Studies, Istanbul University
ali.darzloo@ogr.iu.edu.tr

⁴ -Associate Professor of Turkish Studies, Department of West Asian and African Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

مقدمه

منطقه قفقاز به ویژه محدود جغرافیایی قفقاز جنوبی همواره یکی از مناطق مهم و مورد توجه قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است. این منطقه چه در دورانی که جزئی از قلمرو ایران بوده و چه در دوران پس از جدایی آن، همیشه مورد توجه حکومت‌های وقت بوده است. منطقه قفقاز جنوبی محل تلاقی کشورهای مهمی چون ایران، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و تا حدودی ترکیه است که می‌توان گفت ایران و ترکیه از قدرت‌های مهم منطقه به شمار می‌آیند که در عرصه ژئوپلیتیکی رقیب یکدیگر به حساب می‌آیند و طبعاً قفقاز جنوبی نیز یکی از مناطق مهم رقابت آنها است.

اکنون مهمترین مسئله‌ای که در منطقه قفقاز وجود دارد و باعث توجه و رقابت قدرت‌ها و بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای شده است؛ مسئله کریدور زنگه زور است که در مرکز توجهات قرار گرفته به طوری که حتی پای روسیه که درگیر جنگی فراگیر با اوکراین است را نیز به این مسئله باز کرده است و آمریکا نیز علاقمند به نقش آفرینی فعال در این منطقه است.

در این پژوهش قصد داریم مسئله کریدور زنگه زور و حوادث و اتفاقات پیش آمده را با توجه به نظریه ژئوپلیتیک شبکه‌ای وربوفسکی تحلیل و تشریح کنیم. این نظریه از نظریات جدید ژئوپلیتیک است که در سال ۲۰۲۰ ارائه شده است و در پی کشف روابط بین‌الملل و بازیگران آن در انقلاب دیجیتال‌ای است که رخ داده است. به دلیل تازگی این نظریه و مغفول ماندن آن در پژوهش‌های فارسی، کمتر ادبیاتی پژوهشی وجود دارد که در قالب یک مسئله به کار بست این نظریه اقدام کرده باشد که این مهم یکی از نقاط قوت این پژوهش می‌باشد که جزو نخستین ادبیات تولید شده در این زمینه است. از طرف دیگر تعداد کم منابع نیز به این دلیل است که مقاله حاضر در واقع نخستین پژوهش در این زمینه است که باعث ایجاد نگاهی جدید و پدید آمدن ادبیات جدیدی در این باره خواهد شد. با این حال به برخی از مرتبط‌ترین ادبیات تولیدی در این زمینه می‌پردازیم.

هاکان دوملو و گونگور شاهین^۵ در مقاله خود اظهار می‌کنند که: «علیرغم خطراتی که کریدور زنگزور دارد، کمک بیشتری به تبدیل شدن ترکیه به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای خواهد کرد. در واقع، ترکیه از طریق این کریدور قدرت سیاسی خود را در قفقاز جنوبی تقویت خواهد کرد. از سوی دیگر از این طریق می‌تواند با حذف رقیب تاریخی خود ایران، نفوذ اقتصادی خود را در منطقه تضمین کند. در این میان با فشار بر ارمنستان نیز سعی در اتخاذ رویکردی معتدل و همکاری داشتند».

توکازبان قاسیمووا و ملیس ارچین یولجو (۲۰۲۳)^۶ در مقاله‌ای بیان می‌کنند: «کریدور زنگزور تأثیر زیادی بر تجارت خارجی و بخش لجستیک آذربایجان خواهد گذاشت. این کریدور فرصت مهمی برای پروژه‌های حمل و نقل ترانزیت بین آسیا و اروپا از طریق آذربایجان است و آذربایجان به عنوان مرکز حمل و نقل و لجستیک در اوراسیا تقویت خواهد شد. اما نقاط ضعفی از جمله نداشتن برنامه مشخص کریدور، تداوم مشکلات امنیتی در منطقه و مشخص نشدن مرزهای آذربایجان و ارمنستان وجود دارد. علاوه بر این، لابی‌های بانفوذ ارمنی در ایالات متحده و اروپا تهدید قابل توجهی برای گشایش این کریدور هستند».

بهار اوزسوی (۲۰۲۴)^۷ در مقاله خود با اشاره به مسائل کریدور زنگه زور بیان می‌کند که: «تصمیم برای ایجاد ارتباطات حمل و نقل و تجاری که یکی از مواد توافقنامه سه جانبه امضا شده در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ است، یکی از موضوعات اولویت-دار دولت آذربایجان پس از جنگ است. آذربایجان به دلیل اهمیت استراتژیک خود در کریدورهای شرق به غرب و شمال به جنوب، سیاست توسعه بنادر و مراکز لجستیکی و زیرساخت‌های راه آهن و بزرگراه را دنبال می‌کند. به خصوص بعد از جنگ روسیه و اوکراین، وضعیت آذربایجان اهمیت روزافزون کریدور مرکزی فرصت‌های جدیدی را برای آذربایجان فراهم می‌کند. اهمیت استراتژیک آذربایجان

⁵- [Hakan Dumlu, Güngör Şahin](#), Zengezur Koridoru ve Alternatif Çözümler: Türkiye İçin Riskler, Tehditler ve Fırsatlar, Avrasya İncelemeleri Dergisi, 13, 2 (2024): 170.

⁶- Gasimova, T., & Erçin Yurcu, M. (2023). ZENGEZUR KORİDORU'NUN AZER-BAYCAN'IN DIŞ TİCARET VE LOJİSTİK FAALİYETLERİNE OLASI ETKİLERİNİN SWOT ANALİZİ. Dumlupınar Üniversitesi İİBF Dergisi(12), 2.

⁷ - Özsoy, B. (2024). Azerbaycan'ın ulaşım hatları politikası ve Zengezur koridoru. Asya Studies, 8(29), 144.

در تامین ارتباطات حمل و نقل و تجاری است. کریدور زنگزور بزرگترین گام ادغام دوره پس از شوروی را برای جهان ترک تشکیل می‌دهد».

محمد یوجه و گلنار عزیزووا (۲۰۲۴)^۸ در این باره در مقاله خود اظهار می‌دارند که: «آذربایجان و ترکیه، کشورهای کلیدی این کریدور از پتانسیل بالایی برخوردار هستند، زیرا این کریدور امن‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر تجاری بین آسیا و قاره اروپا است. افتتاح این مسیر، آذربایجان را به عنوان کشور مبدأ و انتقال دهنده، هم از نظر حمل و نقل بار انسان و هم از نظر انتقال انرژی، به پایگاه لجستیکی اوراسیا تبدیل می‌کند. همچنین تاریخی جاده ابریشم احیا خواهد شد و فرصت‌های اقتصادی جدیدی برای کشورهای ترکیه واقع در این مسیر تاریخی پدید خواهد آمد».

همانطور که مشاهده می‌شود این مطالب بیشتر به روابط بین کشورها پرداخته است و نگاه به این کریدور منطبق بر نظریات قدیم است و بررسی تاثیرات احداث احتمالی آن است. اما در این مقاله جدید نگاه ما به کریدور زنگه زور منطبق بر یکی از به روز ترین نظریات روابط بین‌الملل است طبیعتاً منجر به تولید ادبیات جدیدی در این زمینه خواهد شد. این مقاله و انطباق کریدور زنگه زور با نظریه ژئوپلیتیک شبکه‌ای وربوفسکی یکی از نخستین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه خواهد بود. روش پژوهش در این نوشتار روش تحقیق «تبیینی» است که در آن هدف شناسایی علل و عوامل موثر در بروز یک پدیده اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی است. در روش تحقیق تبیینی است که محقق در پی شناسایی رابطه علت و معلولی بین متغیرهای یک پدیده است. در این روش، پژوهشگر به دنبال یافتن یک یا چند متغیر مستقل است که به گمان او موجب بروز یک متغیر وابسته هستند و با استفاده از تحلیل داده‌ها، سعی می‌کند تا این رابطه را تأیید یا رد کند.

۱- زنگه زور به مثابه ژئوپلیتیک شبکه‌ای

شبکه را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از گره‌های به هم پیوسته تعریف کرد. اگرچه

^۸-Mehmet YÜCE, Gulnara AZİZOVA. (2024), TÜRK DEVLETLERİ AÇISINDAN ZENGEZUR KORİDORU'NUN ÖNEMİ, Türk Dünyası Akademik Bakış, Yıl: 2024-Bahar. Cilt: 4 Sayı: 7, 17.

شبکه‌ها همیشه وجود داشته‌اند، اما مهم‌ترین تازگی در دگرگونی جهان، فراگیر شدن به دلیل پیشرفت‌های فناوری است. جریان اطلاعات هرچند پیشتر وجود داشته است (تکیر، ۲۰۲۰: ۱۱۵) اما به طور کلی می‌توان گفت که سیستم بین‌الملل و واحدهای آن، با چిستی مانایی روبرو هستند. (قاسمی، ۱۳۹۸: ۳۸) اکنون کریدور زنگه زور یک شبکه است که گره‌های مختلف آن تحت عنوان بازیگران ذینفع در حال نقش آفرینی در این شبکه هستند. در این مرحله که مرحله پیشا تشکیل این کریدور است سه کشور ایران، جمهوری آذربایجان، ارمنستان از گره‌های مهم این شبکه به شمار می‌آیند که پیرامون این ارزش جغرافیایی در حال بازیگری هستند، اما در مرحله پسا تشکیل این کریدور کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و مجموعه کشورهای آسیای مرکزی به جز تاجیکستان از گره‌های مهم این شبکه خواهند بود و در صورت تحقق کریدور مدنظر آمریکا، آمریکا نیز از گره‌های مهم این شبکه خواهد بود.

اما این نکته را نیز باید افزود که جهان در حال حاضر در تنگنای یک انقلاب دیجیتال است. این آخرین مورد از یک سری انقلاب‌های صنعتی است که در طول دو قرن اخیر، نحوه تفکر ما در مورد ارتباطات، حمل و نقل، تولید و تجارت را تغییر داده است. همانند انقلاب‌های قبلی، این انقلاب نیز با تغییر الگو در درک ما از سیاست بین‌الملل همراه خواهد بود. ما در حال حاضر اولین تأثیرات این تغییر را در قالب بازیگران جدید غیردولتی، مهاجرت دسته جمعی و ... تجربه می‌کنیم. جریان اطلاعات در شکل فعلی آن محصول منحصر به فرد دیجیتالی شدن است. قبل از عصر دیجیتال، جریان اطلاعات وجود داشت، اما دیجیتالی شدن دو ویژگی کلیدی آن را تحت تاثیر قرار داده است که بازتاب فوق‌العاده‌ای در سراسر شبکه داشته است. نخست اینکه دیجیتالی شدن به طرز چشمگیری سرعت گردش اطلاعات را افزایش داده است که این به سرعت انتقال اطلاعات در سراسر شبکه اشاره دارد. دوم، دیجیتالی شدن قابلیت لجستیکی جریان اطلاعات را که به عنوان ظرفیت داده تعیین می‌شود، بسیار گسترش داده است. ترکیب این دو عامل و تأثیر بعدی آن بر جریان اطلاعات را می‌توان شتاب نامید. اگر دانش قدرت است و این قدرت در درون داده‌ها نگهداری می‌شود، پس کنترل این قدرت دیگر منحصراً در ساختارهای اداری مرکزی دولت نیست و اکنون در بین بازیگران فرو دولتی و حتی افراد در شبکه، توزیع مجدد شده است.

(<https://B2n.ir/tr4295,2024.10.05>) اساسا کارکرد کریدور زنگه زور نیز ایجاد یک انقلاب در دو جغرافیای مهم قفقاز و آسیای میانه است. آسیای میانه که به دلیل محصور در خشکی بودن و محیط طبیعی‌اش همواره در یک حالت انزوا به سر می‌برده است با این پروژه از حالت پیشین خود فاصله خواهد گرفت.

ارتباطات و حمل و نقل نیز در آسیای میانه، با این احداث این کریدور تغییر خواهد کرد و تولید و تجارت نیز دچار دگرگونی‌هایی خواهد شد زیرا طبیعتا پیدایش یک راه زمینی جدید به تناسب مشاغل جدید و درخوری را طلب می‌کند که نمونه آن تاسیس یا گسترش شرکت‌های حمل و نقل جدید و وجود ناوگان یا گسترش و تجهیز و نوسازی ناوگان‌های فعلی است که البته همه اینها نیازمند شرکت‌ها یا موسساتی برای هماهنگی تجارت با طرف‌های خارجی و بررسی نیازها و واقعیت‌های موجود برای تطبیق پذیری است که طبیعتا در این بین مشاغل جدیدی به وجود خواهند آمد که این همان تغییر نحوه تفکر ما درباره تجارت و تولید و حمل و نقل خواهد بود.

از طرف دیگر با افزایش تجارت و فعالیت‌های حمل و نقل و ترانزیت و ایجاد فرصت‌های جدید و دگرگونی‌هایی که رخ می‌دهد طبیعتا دولت‌ها در آسیای میانه و قفقاز ممکن است به تنهایی قادر به انجام همه این فعالیت‌ها و تأمین نیازها نباشند؛ هرچند در آسیای میانه و جمهوری آذربایجان ریاست جمهوری‌ها مادام‌العمر بر سرکار هستند اما دولت‌ها در بسیاری موارد ممکن است قادر به این کار نباشند یا از روی خردمندی قسمتی از کار را به بخش خصوصی واگذار کنند یا شرکت‌های خصوصی و حتی خارجی برای تأمین بخشی از کالاها یا خدمات مستقلا وارد عمل شوند و با گسترش فعالیت‌های خود تبدیل به یک بازیگر مهم غیر دولتی شوند و به ایفای نقش در این شبکه بپردازند.

از طرف دیگر طبق گفته برخی مقامات جمهوری آذربایجان و ترکیه کریدور زنگه زور باعث متحد و یکپارچه شدن "جهان ترک" می‌شود؛ این سخن بدان معنا است که این کریدور صرفا یک مسیر برای حمل کالا و خدمات نیست و یک معبر و حلقه بسیار مهم برای اتصال دو سرزمینی است که درخصوص ترک بودن یا نبودن

آنها همچنان بحث و اختلاف نظر است؛ اما در هر صورت یکپارچه شدن این جغرافیا به مهاجرت‌های گسترده نیز خواهد انجامید زیرا طبیعتاً کم‌رنگ شدن مرزها و سختگیری‌های عبور و مرور این تمایل را در مردمان مناطق کمتر توسعه یافته ایجاد می‌کند که برای پیشرفت خود و فرزندانشان به سرزمین‌های بهتر و برخوردارتری مهاجرت کنند. ایده "الفبای واحد ترکی" و "بانک ترک" نیز در همین راستا به کمتر شدن موانع مهاجرت پرداخته و همین مهاجرت‌ها نیز در حد خرد باعث ایجاد بازیگران جدید یا گتوهای متعدد در این جغرافیا خواهد شد.

از طرف دیگر ایده‌هایی چون "بانک مشترک ترک" باعث افزایش سرعت انتقال اطلاعات می‌شود زیرا شبکه مالی بانک مشترک با داده‌هایی از چندین کشور باعث افزایش سرعت استعلام‌گیری و انتقال اطلاعات می‌شود. حتی الفبای واحد ترکی نیز باعث افزایش سرعت اطلاعات و داده می‌شود زیرا افراد با دانستن این زبان و الفبا می‌توانند در چندین کشور به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها بپردازند. این فرایند منجر به تمرکز زدایی از دولت‌ها و نقش‌های آنان شده و بازیگران مختلف با ورود به قلمروهای انحصاری دولت می‌توانند به نقش آفرینی پرداخته و فصل جدیدی از روابط و سیاست بین‌الملل را شکل دهند.

در ماه‌های اخیر نیز آمریکا و شخص رئیس‌جمهور آمریکا با ترغیب دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان برای دستیابی به یک صلح پایدار به دنبال کم‌رنگ کردن نقش روسیه و مطرح کردن خود به عنوان یک اخلاک‌گراست که در صورت تحقق این کریدور به روش آمریکایی، آمریکا یکی از گره‌های این کریدور خواهد بود و این مهم به هیچ وجه مطلوب ایران به نخواهد بود.

۲- سرزمین در شبکه ژئوپلیتیک

جریان‌های درون شبکه، سرزمین‌های جدیدی هستند که کنترل آن‌ها توازن قوا را از بین می‌برد. با این حال، از آنجایی که آنها فیزیکی نیستند، نمی‌توان آنها را "کنترل کرد" بلکه بیشتر می‌توان آنها را تحت تأثیر قرار داد. نفوذ در اینجا به توانایی تقویت یا تضعیف جریان‌ها اشاره دارد. برای تأثیرگذاری بر یکی از جریان‌ها، باید بخش‌هایی از آنها را که هنوز به قلمرو فیزیکی متصل هستند کنترل کرد. به این مکان‌ها، گره

می‌گویند. گره‌ها مناطقی در داخل شبکه هستند که در آن جریان‌ها متمرکز و باز توزیع می‌شوند. این بدان معنی است که هر دو قادر به ارسال و دریافت جریان هستند و کنترل بر روی گره‌ها امکان نفوذ بر جریان‌های شبکه را فراهم می‌کند. علاوه بر کنترل بر قلمرو فیزیکی که جریان‌های شبکه باید از آن عبور کنند، بازیگران ممکن است بتوانند از راه استفاده از دروازه‌ها بر جریان‌ها تأثیر بگذارند. گیت‌ها ابزار تنظیم جریان شبکه هستند. این دروازه‌ها می‌توانند فیزیکی، قانونی، فنی یا سیاسی باشند و آنها را می‌توان به عنوان نقاط انسدادی در نظر گرفت که از طریق آنها بازیگران در شبکه می‌توانند بر جریان‌های شبکه تأثیر بگذارند. یک مثال خوب مکانیسم ویزا است که با ورود اوکراین به معاهده شینگن منجر شد. این به عنوان یک دروازه قانونی عمل می‌کند تا نه تنها تعداد افراد را کنترل کند، بلکه مدت حضور و هدف حضور را نیز کنترل می‌کند. در مقابل، دروازه کنترل هجوم پناهندگان به آلمان نه تنها قانونی بلکه سیاسی و فیزیکی است که شامل موانع فیزیکی حصارها در مجارستان و بالکان، دریای مدیترانه، توافق-نامه‌های سیاسی با ترکیه و کشورهای شمال آفریقا برای نگهداری پناهندگان در کشورهایشان و یک فرآیند پیچیده قانونی برای تنظیم ورود است. نمونه‌های دیگر شامل مکانیسم‌های قانونی اروپا برای کنترل پروژۀ "نورد استریم ۲" و "دیوار آتش بزرگ" چین برای کنترل دسترسی به جریان اطلاعات است. (ibid)

بحث دیگری که در اینجا مطرح است داستان دروازه‌ها است که به عنوان نقاط انسدادی مطرح هستند و بازیگران از راه آن می‌توانند بر جریان‌ها تأثیر بگذارند. احداث کریدور زنگه زور گامی در جهت کاهش موانع انسدادی است و از قدرت بازیگران قدیمی در کنترل جریان‌ها می‌کاهد و باعث کمتر شدن کنترل آنها خواهد شد ولی از طرف دیگر مکانیسم‌های متنوع دیگری را نیز در اختیار بازیگران قرار می‌دهد. در مجموع اگر ایده الفبای واحد ترکی اجرایی شود و بتوان محتوایی با آن تولید کرد و شبکه‌های تلویزیونی ایجاد و برنامه‌های تلویزیونی با آن ساخت؛ قدرت و کنترل بازیگران به شدت کاهش خواهد یافت و توان تأثیرگذاری بر جریان‌ها را از دست خواهند داد. اگر ارتباطات فرهنگی و مردمی بیشتر که با یک الفبا و زبان واحد ایجاد شده به ثمر بنشیند کمتر دولتی توان این را خواهد داشت که در برابر آن مانع تراشی کند؛ طبیعتاً

دولت‌ها کاملاً هم در این موارد دست بسته نیستند اما بازیگران جدید غیر دولتی در این عرصه توان بیشتری خواهند داشت.

بنابراین زنگه زور با گره‌هایش یک شبکه است و ترکیه و دیگر گره‌های پر نفوذ به دنبال اجرایی کردن این پروژه هستند تا کنترل و نفوذ خود بر شبکه را افزایش دهد و از طرف دیگر باعث کمتر شدن نفوذ و کنترل دیگر شبکه‌ها شوند.

اهمیت این کریدور به حدی است که سبب شده است تا ترامپ شخصا آمریکا را وارد این معادله چند وجهی کند.

۳- بازیگران ژئوپلیتیک شبکه‌ای

بازیگران اصلی در شبکه ژئوپلیتیکی همچنان دولت‌ها هستند. اما تمرکز دایمی قدرت، که با تسریع جریان اطلاعات به وجود می‌آید، منجر به ظهور بازیگران جدید می‌شود. بنابراین بازیگران به دو گروه اصلی «قدیمی» و «جدید» تقسیم می‌شوند. بازیگران قدیمی شامل دولت‌ها می‌شوند و بیشتر به آن‌هایی که اهرم قابل توجهی بر شبکه دارند، «مثلث استراتژیک» گفته می‌شود و آن‌هایی که می‌خواهند راه خود را در موقعیت مطلوب‌تری قرار دهند، یعنی به «اخلال‌کننده‌های استراتژیک» موسوم‌اند؛ بازیگران جدید گویند. بازیگران جدید به عنوان شبه نظامیان دیجیتال یا شهروندان استراتژیک هم تعریف می‌شوند. (ibid)

در قرن بیست و یکم یکی از عناصر قدرت ملی به هژمونی بر شبکه بستگی دارد. یعنی تسلط بر زنگه زور مساوی با کسب قدرت است. ترکیه از سال‌های بسیار دور با طرح مباحث فرهنگی و سیاست‌های قدرت نرم تاثیرگذاری خود را در آسیای میانه افزایش داده و سپس با مطرح کردن مفاهیم و سیاست‌هایی چون پانترکیسم و پان تورانیسم را اجرا و سپس با ایده "جهان واحد ترک" از هدف خود رونمایی کرد. هرچند هدف اصلی ترکیه از طرح این مفاهیم منافع اقتصادی خود و تحکیم موقعیت خود به عنوان برادر بزرگ برای این کشورها است؛ اما ایده جهان واحد ترک علاوه بر افزایش جریان اطلاعات منجر به ظهور و حضور بازیگران جدیدی در سطح فراملی خواهد شد. برای مثال ممکن است نخستین بازیگران غیر دولتی احزاب و تشکل‌ها و اصناف باشند که با ایجاد بانک مشترک و احتمالاً ایجاد یک واحد پولی مشترک زمینه اشتغال آنها در سرتاسر این جغرافیای واحد شده فراهم شده و از طرف دیگر برخی گروه‌ها

دست به مهاجرت‌های دسته جمعی برای یک زندگی بهتر بزنند. از طرف دیگر ممکن است این مهاجران به دلیل فاصله‌های فرهنگی و اقتصادی دست به ایجاد محله‌های گتوشین نیز بزنند.

۳-۱- مثلث استراتژیک

به‌رغم به میدان آمدن بازیگران نوظهور در ژئوپلیتیک شبکه‌ای، باز تأثیرگذارترین بازیگران ژئوپلیتیک شبکه‌ای دولت‌ها هستند. با این حال، همه دولت‌ها اهرم یکسانی برای مداخله و اثرگذاری بر جریان‌های شبکه ندارند. مثلث استراتژیک به عنوان سه حالتی تعریف می‌شود که بیشترین غلظت گره‌ها را در قلمرو خود دارند، بنابراین بیشترین اهرم فشار را بر جریان شبکه وارد می‌کند. (ibid)

در شرایط کنونی که مرحله پیشا تشکیل کریدور زنگه زور است این مثلث شامل ایران، جمهوری آذربایجان و ارمنستان است. نقش ایران، جمهوری آذربایجان و ارمنستان در این جا ثابت است اما نقش ترکیه و روسیه در برهه‌های زمانی مختلف در حال جا به جایی بوده است. روسیه بعد از آغاز جنگ با اوکراین مدتی از تحولات منطقه به دور بود و ترکیه با نفوذ به حیات خلوت ادعایی روسیه، سعی بر تأثیرگذاری بر تحولات منطقه را داشت و تا حدودی نیز موفق بود اما در چند ماه اخیر روسیه نیز وارد این معادلات شده و فعالانه در جهت احداث کریدور زنگه زور در حال رایزنی است. بازیگر مهم دیگر، آمریکا است که پررنگ‌تر از گذشته در پی نقش آفرینی در این منطقه با طرح مواردی چون "کریدور ترامپ" است.

در مرحله پسا احداث کریدور زنگه زور و در صورت عبور نکردن این کریدور یا قسمت‌هایی از این کریدور از مسیر ایران، ایران از گره‌های این شبکه ژئوپلیتیکی خط خورده و ترکیه، جمهوری آذربایجان و مجموعه کشورهای آسیای میانه به جز تاجیکستان از گره‌های مهم و مثلث استراتژیک آن خواهند بود. درباره ارمنستان نیز باید گفت با وجود اینکه قطعاً در صورت احداث این کریدور قسمتی از مسیر آن از خاک آن کشور خواهد گذشت اما این اقدام با وجود پیش فرض‌ها و معادلات کنونی به تقویت قدرت و نقش آفرینی ارمنستان منجر نخواهد شد به خصوص که صحبت‌هایی در مورد کنترل این معبر به وسیله یگان‌های نظامی روسیه یا آمریکا نیز مطرح است. به علاوه این کریدور و حریم آن منجر به قطع معبر ایران برای ارمنستان می‌شود که محصور در

خشکی است و با همسایگان خود از جمله با جمهوری آذربایجان و ترکیه مشکلات دیرینه‌ای دارد. بنابراین احداث این کریدور باعث می‌شود که ارمنستان دچار مشکلاتی در صادرات و واردات خود شود که این امر موجب ضعف و وابسته شدن هرچه بیشتر این کشور محصور در خشکی و کاهش معبرهای آن برای ترانزیت و صادرات و واردات خواهد شد.

۳-۲- اخلاالگران استراتژیک

اخلاالگران استراتژیک دولت‌هایی هستند که در خارج یا در مرزهای شبکه جهانی وجود دارند. این بازیگران مایلند اهرمی در مخالفت با اعضای مثلث استراتژیک تشکیل دهند و نفوذ جریان‌های شبکه را بر اساس شرایط خود بازپس گیرند. این بازیگران از فناوری مخرب برای دور زدن دروازه‌های شبکه استفاده می‌کنند. (ibid) کریدور زنگه زور اخلاالگران قدرتمندی دارد که در بیشتر مواقع قدرتی فراتر از گره‌های شبکه دارند و حتی گره‌ها گاهی برای افزایش قدرت و نفوذ خود به این اخلاالگران متوسل می‌شوند. برای مثال جمهوری آذربایجان همواره با ترکیه و کمک آن توانسته ارتش ارمنستان را شکست دهد؛ ارمنستان به رغم اینکه با روسیه توافق نامه‌های امنیتی داشته اما اکنون روسیه به عنوان یک اخلاالگر مهم و ثابت منطقه قفقاز جنوبی با هم‌افزایی با جمهوری آذربایجان به دنبال اجرا و احداث کریدور زنگه زور است. قدرت روسیه در حدی است که تا پیش از شروع جنگ با اوکراین تقریباً هیچ‌گونه توافق نامه‌ای در این منطقه بدون نظر مساعد روسیه قابل انجام و اجرا نبود اما پس از تهاجم به اوکراین طبیعتاً وجهه روسیه نزد محافل بین‌المللی کاهش یافت و تحریم‌ها بر روسیه تأثیر گذاشت، با این وجود روسیه هنوز یک اخلاالگر استراتژیک در این منطقه است.

اگر منطقه قفقاز جنوبی را یک شبکه در نظر بگیریم؛ روسیه، ایلات متحده آمریکا، اسرائیل و به تازگی اتحادیه اروپا از مهمترین اخلاالگران استراتژیک در این منطقه هستند. روسیه به دلیل تسلطی که شوروی‌ها بر این منطقه داشتند همواره به چشم حیات خلوت خود به این منطقه نگاه می‌کنند و همواره در هر مسئله‌ای به نقش-آفرینی در آن می‌پردازند. روس‌ها با قراردادهای نظامی و اقتصادی سعی در حفظ نفوذ خود در این منطقه دارند اما پس از شروع جنگ با اوکراین به طور محسوسی

از قدرت نقش آفرینی آنها کاسته شد به طوری که ارتش جمهوری آذربایجان در مقابل چشمان نیروهای حافظ صلح روس به پیشروی و تصرف قره باغ پرداختند اما در چند ماه اخیر روس‌ها به دنبال بازپس‌گیری نفوذ خود بر جریان‌های این شبکه هستند.

۳-۳- ستیزه جویان دیجیتال

اثر جانبی تمرکززدایی قدرت در عصر دیجیتال، دموکراتیک کردن خشونت است. نتیجه این دموکراتیزه شدن، ظهور شبه نظامیان دیجیتال است. اینها بازیگران غیر دولتی هستند که می‌توانند از جریان‌های شبکه برای اهداف مخرب خود استفاده کنند. بهترین نمونه ستیزه‌جویی دیجیتال، داعش است. داعش اولین ارتش کاملاً دیجیتالی است؛ این گروه متعصب مذهبی با ایدئولوژی قرون وسطایی با استفاده از شبکه‌های تلفن همراه برای عضوگیری، سازماندهی حملات و انتشار تبلیغات، توانست ارتش‌های بسیار مجهزتر عراق و سوریه را غافلگیر کرده و بر آنها غلبه کند. (ibid) این نوع حرکت‌ها یا جنبش‌ها را می‌توان ذیل جنبش‌های فراملی و تروریسم دسته‌بندی کرد.

هم اکنون در آسیای مرکزی و برخی کشورهای آن نیز گروه‌های تروریستی و افراد تروریست و ستیزه‌جویی وجود دارند که حضور فعالی در حملات به برخی از کشورهای منطقه و حتی جهان دارند؛ نمونه آن حمله تروریستی در روسیه بود که در آینده طبیعتاً شبکه‌های کریدور زنگه زور می‌تواند فرصتی برای گسترش این گروه‌ها و برداشته شدن برخی دروازه‌ها برای آنان است.

جنبش‌های اجتماعی فراملی، مجموعه‌ای از گروه‌ها با طرفدارانی در بیش از یک کشور که متعهد به اقدامات اعتراض آمیز یا تعارض آمیز پایدار برای یک هدف مشترک یا مجموعه‌ای از علل مشترک هستند که اغلب علیه دولت‌ها، مؤسسات بین‌المللی یا شرکت‌های خصوصی عمل می‌کنند. از نمونه‌های برجسته جنبش‌های اجتماعی فراملی می‌توان به جنبش ضد جهانی‌سازی و جنبش علیه ارگانوسم‌های اصلاح‌شده ژنتیک (GMOs) اشاره کرد.

تعریف تروریسم به عنوان یک حرکت خشونت آمیز همواره مورد مناقشه و بحث بوده است؛ اما به طور کلی می‌توان سه عنصر مهم تروریسم را به شرح زیر برشمرد:

اول ماهیت نمادین اقدامات تروریستی در هدف قرار دادن مکان‌ها یا ساختمان‌های خاص است؛ دوم، هدف تروریسم گسترش دامنه جغرافیایی یک درگیری خاص است به نحوی که (امیدوارند) به نفع هدف خود باشد؛ سوم، تروریست‌ها ادعا می‌کنند که نوع دوستی سیاسی انجام می‌دهند، آنها معتقدند که برای یک گروه به حاشیه رانده یا تحت ستم صحبت می‌کنند یا به آنها خدمت می‌کنند. (ibid)

در مقابل این ایده "بازدارندگی شبکه‌ای" قرار دارد. بازیگران مختلف در تلاش هستند تا سلطه و نفوذ خود را در منطقه تثبیت کنند و در عین حال با شرکای خود همکاری می‌کنند که ایده بازدارندگی شبکه‌ای را تشکیل می‌دهند. درباره زنگه‌زور هم می‌توان گفت که شبکه جهان ترک یک ایده بازدارنده است. یعنی مجموعه‌ای از بازیگران با شرکای مختلف خود در تلاش هستند که با تثبیت و افزایش قدرت نفوذ و تاثیرگذاری خود باعث ایجاد نوعی از امنیت و بازدارندگی شوند که گره‌های مهم در این شبکه ترکیه و جمهوری آذربایجان هستند که همواره در حال تعریف خود و کشورهای آسیای میانه^۹ با عنوان جهان ترک (ما) و سایر مناطق جهان (دیگری) هستند که این تفکرات در مفاهیمی چون "پانترکیسم" و "پان تورانیسم" تجلی یافته است و در دولت اسلام‌گرا و محافظه کار حزب عدالت و توسعه بیش از پیش اجرا شده است و رگه‌های واضحی از آن را می‌توان در سخنرانی‌ها و اقدامات رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه و متحد حزبی‌اش دولت باغچه لی با اظهار نظرهای جنجالی‌اش مشاهده کرد. برای نمونه رجب طیب اردوغان در پیامی به دهمین نشست سران کشورهای ترک اظهار داشت:

"مهمترین نقطه قوت ما در مبارزه با چالش‌های جهانی، اتحاد، همبستگی و همبستگی جهان ترک است. ما با شعار وحدت ما قدرت ماست و هدف ما این است که جهان ترکیه را در هر زمینه قوی‌تر و در برابر چالش‌های مختلف مقاوم‌تر و مقاوم‌تر کنیم. به عنوان رهبر، ما باید قلب‌هایی را که پرچم جهان ترکیه را حمل می‌کنند، با چشم انداز یک جهان قوی ترک در اتحاد و همبستگی هدایت کنیم. به عنوان جمهوری ترکیه که امسال صدمین سالگرد تاسیس خود را جشن می‌گیرد، ما به گام‌های خود در جهت صلح، رفاه و امنیت کل جهان ترکیه ادامه خواهیم داد. با گسترش چشم انداز خود

^۹ - ترکیه اخیرا اصطلاح ترکستان را جایگزین آن کرده است.

از قرن ترکیه به سازمان خود، شانه به شانه کار خواهیم کرد تا امیدواریم دوره بعدی را به دوران ترکیه تبدیل کنیم". (<https://B2n.ir/pj3772>, 2025.03.02).

به عبارتی دیگر مفهوم «بازدارندگی شبکه‌ای» یک چارچوب امنیتی را در بر می‌گیرد که با پیوندهای دوجانبه، کوچک و چندجانبه، رسمی و غیررسمی، مشخص می‌شود و ترکیه با یارگیری استراتژیک در آسیای میانه و با استراتژی "دوباره آسیا" به دنبال تحقق بخشیدن به آن است.

۳-۴- شهروندان استراتژیک

در حوزه جریان‌های مهاجرت، دیجیتالی شدن نیز نقش بسزایی داشته است. توانایی سازماندهی و بسیج گروه‌های بزرگ مردم به طور اساسی ساده شده است. بارزترین نمونه آن، بهار عربی است که در آن خودسوزی یک میوه‌فروش باعث شیوع ایده‌ای شد که اکثر دولت‌های مستبد خاورمیانه را که ادعا می‌شد برخی از آنها باثبات‌ترین دولت‌های جهان به شمار می‌آیند را سرنگون کرد. (Joseph Verbovsky, Networked, Geopolitics, <https://B2n.ir/tr4295>, 2024.10.01)

کریدور زنگه زور و یکپارچه شدن جهان ترک نیز باعث گسترش جغرافیایی زمین بازی می‌شود. یعنی اگر پیشتر حوادث پارک گزی تنها در ترکیه باعث حرکت‌هایی می‌شد اما اکنون ممکن است باعث حرکت‌هایی در کل جغرافیای موسوم به "جهان ترک" شود.

نتیجه بارز این عملکرد همان کاهش قدرت بازیگران قدیمی یعنی دولت‌ها و افزایش قدرت بازیگران جدید یعنی همان بازیگران غیر دولتی است که به لطف اینترنت و شبکه اطلاعات و سرعت انتقال اطلاعات قدرت بسیج کنندگی زیادی خواهند داشت و وارد قلمروهایی خواهند شد که پیش از این منحصر در اختیار دولت‌ها بوده است. در واقع همان طور که بهار عربی از تونس شروع شد و باعث وقوع انقلاب‌هایی در کل جهان عرب شد، اگر این اتحادیه کشورهای ترک نیز به واسطه یکپارچه شدن جغرافیا توسط کریدور زنگه زور اجرایی شود می‌توان انتظار واکنش‌های مشابهی نیز در این اتحادیه داشت که پیامدهای زیادی نیز خواهد داشت.

نهادهای فرهنگی ترکیه که در حوزه همگرایی شهروندی فعالیت زیادی دارند، با تاثیرگذاری مستقیمی که بر مردمان آسیای میانه می‌گذارند در حوزه تاریخ و فرهنگ مشترک و ادبیات سعی در یکسان‌انگاری این ملت‌ها دارند تا بتوانند ذیل فرهنگ ترکی

و به ویژه فرهنگ و زبان ترکی استانبولی یک همگرایی ویژه‌ای ایجاد کنند تا ترکیه نقش محوری در این اتحادیه داشته باشد که البته این مهم از چشم برخی از کشورهای آسیای میانه مانند ازبکستان و ترکمنستان دور نمانده است و این کشورها همواره نسبت به اهداف و انگیزه‌های آنکارا به دیده تردید نگریسته‌اند. نهادهایی مانند زبان و تاریخ ترک، بنیاد فرهنگی آتاترک، سازمان بین‌المللی فرهنگ ترک و شورای کشورهای ترک و... در این زمینه فعالیت مستمری دارند.

۴- توازن جدید قدرت

شبکه‌ها امروزه تعریف سنتی قلمرو را تغییر داده‌اند. جریان‌های شبکه، قلمرو-های جدید ژئوپلیتیک شبکه‌ای هستند که به دلیل ماهیت پویای‌شان، نمی‌توان آنها را کنترل کرد و فقط می‌توان تحت تأثیر قرار داد. برای تأثیرگذاری بر جریان‌ها، باید گره‌های آن‌ها را که هنوز به قلمرو فیزیکی متصل هستند، کنترل کرد یا اهرمی برای آن داشت. یکی از نتایج این امر آن است که قلمرویی که گره‌ها در آن قرار دارند، اهمیت ژئوپلیتیک پیدا می‌کند در حالی که قلمرو بدون اتصال قوی به جریان‌ها اهمیت خود را از دست می‌دهد. دوم اینکه شبکه بر اهداف بازیگران تأثیر می‌گذارد. دولت‌ها با ایجاد و حفظ وابستگی‌های سیاسی به قدرت در شبکه دست می‌یابند. این وابستگی‌ها را می‌توان با تأثیرگذاری بر جریان‌های شبکه ایجاد کرد تا بازیگر گیرنده بیشتر به منبع جریان وابسته شود. تعارض نیز احتمالاً به دو شکل در داخل شبکه رخ می‌دهد: ابتدا با تضاد بین دولت‌ها خود را نشان می‌دهد. این تضاد شامل اعمال نفوذ جریان‌ها برای اجبار به تغییر رفتار است. یکی از روش‌های مطلوب در این زمینه، طرد است. این را می‌توان در سیاست‌های تحریمی اتحادیه اروپا و آمریکا علیه ایران و روسیه مشاهده کرد. این اخلاط‌گران استراتژیک تلاش می‌کنند با ابزارسازی، نفوذ بر جریان‌های شبکه یا با ایجاد مسیرهای جایگزین برای جریان‌ها، یعنی استراتژی اطلاعات، راه خود را به مثلث استراتژیک بازگردانند. همچنین انگیزه‌ای برای همه بازیگران داخل شبکه وجود دارد که به دلیل ثروت تولید شده توسط افزایش اتصال، جریان‌ات بین یکدیگر را افزایش دهند و به همان میزان هزینه محرومیت احتمالی برای عدم انطباق بالا می‌رود. این امر منجر به آن می‌شود که هیچ بازیگر دولتی در داخل شبکه نمی‌خواهد جریان شبکه را کاهش دهد، زیرا وابستگی‌های ناشی از اتصالات را

حذف می‌کند. (ibid)

در کاربست این دیدگاه نسبت به آسیای میانه و دریای کاسپین باید گفت که مناطق مذکور دارای منابع سرشار معدنی و هیدروکربن است که طبیعتاً تسلط بر کریدور زنگه زور برای هر یک از کشورهای طول مسیر می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد. مسأله احداث احتمالی این کریدور یکی از مسائل مهم منطقه قفقاز جنوبی است که موجب دخالت و نقش آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در آن خواهد شد. (دهقانی و درزلو، ۱۴۰۳: ۸۵) کریدور زنگه زور یک شبکه جدید است که قصد دارد جایگزین شبکه قبلی با گره‌های جدید شود. قدرت‌ها و اخلاگران استراتژیک مانند روسیه و ترکیه با نقش آفرینی در اخلال شبکه فعلی قصد دارند شبکه جدیدی را با محوریت خود شکل دهند به طوری که ترکیه به عنوان سوآپ منابع و محصولات به عنوان یکی از گره‌های مهم شبکه جدید عرض اندام کرده و روسیه نیز با استقرار یگان‌های نظامی و به اصطلاح "حافظ صلح" خود برای تامین امنیت این کریدور بر آن است یکی از گره‌ها و بازیگران بسیار مهم آن باشد. بنابراین جمهوری آذربایجان به همراه ۲ اخلالگر استراتژیک قصد دارد این شبکه و گره‌های آن را تغییر داده و ایران را به عنوان یکی از مهمترین گره‌ها از دور رقابت خارج کرده و ارمنستان را نیز کاملاً وابسته خود سازند که در مقابل ارمنستان با کمک ترامپ و اخلالگری‌های آمریکا قصد دارد با این موارد مقابله کند.

نتیجه گیری

در واقع هر شبکه دارای گره‌ها و اخلاگران و مثلث استراتژیک و... است که مفهوم شبکه بودن را تحقق می‌بخشند. هدف اصلی شبکه ژئوپلیتیک، بازتعریف بازی بین قدرت‌های بزرگ خواهد بود. بازیگران دولتی هدف مشترکی برای ادامه ساختن شبکه دارند، هم برای افزایش ثروت و هم برای افزایش وابستگی به یکدیگر. از طرف دیگر کنترل کنندگان گره‌ها و شبکه‌ها تا حدودی جریان‌ات و حوادث آن مانند جنگ‌ها را کنترل می‌کنند.

کریدور زنگه زور نیز داستان ایجاد و تسهیل شبکه‌ای در منطقه قفقاز جنوبی است اما تاثیرات و گره‌ها و اخلاگران آن فرا منطقه‌ای است. با ایده یکپارچه کردن جهان

ترک، گستره این شبکه تقریباً به کل آسیای میانه تسری پیدا می‌کند و تاثیرات آن صرفاً منحصر به منطقه قفقاز جنوبی نیست و حتی بر سایر شبکه‌ها نیز تاثیراتی خواهد داشت. برای نمونه در جنگ فعلی روسیه با اوکراین، شبکه کریدور زنگه زور و گره‌های آن می‌توانند نقش مهمی در تامین انرژی مورد نیاز اروپا داشته باشد و گاز جمهوری آذربایجان از این مسیر با سوآپ ترکیه به اروپا برسد.

از طرف دیگر برخی گره‌های شبکه با همکاری برخی از اخلاالگران استراتژیک ممکن است دست به ایجاد یک شبکه جدید یا برهم زدن نظم موجود بزنند و برخی اخلاالگران را جایگزین برخی گره‌های موجود کنند؛ برای نمونه می‌توان جمهوری آذربایجان را مثال زد که به عنوان یک گره سعی دارد با همکاری اخلاالگران استراتژیکی چون ترکیه و روسیه ایران را به عنوان یک گره از این شبکه خارج کند و ترکیه را جایگزین آن سازد. به همین دلیل است که ایران با انجام رزمایش‌هایی در مرزهای شمال غربی خود و افتتاح کنسولگری در جنوب ارمنستان سعی در حفظ شبکه کنونی دارد و مقامات ایرانی همواره مخالفت خود را با هرگونه تغییر در مرزهای منطقه قفقاز اعلام کرده‌اند. ارمنستان نیز سعی در وارد کردن اخلاالگران استراتژیک دیگری همچون اتحادیه اروپا را در این منطقه دارد تا بتواند در مقابل باکو و اخلاالگران آن از خود دفاع کند. این مورد همچنین می‌تواند باعث همگرایی بیشتر ایران و ارمنستان به عنوان دو گره مهم شبکه فعلی شود. البته ورود آمریکا و تمایلات ارمنستان برای همکاری با آمریکا ممکن است این همگرایی بین ایران و ارمنستان را با اخلاال مواجه سازد. آمریکا نیز با نزدیکی به ایران می‌تواند در سایر مسائل بر نقش آفرینی ایران تاثیر بگذارد که مهمترین آن می‌تواند در داستان خلیج فارس باشد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که حذف از این شبکه مهم برابر با کاهش قدرت بازیگری بین‌المللی و کاهش وزن ژئوپلیتیکی است. یعنی اگر ایران به عنوان یک گره مهم از شبکه کریدور زنگه زور و قفقاز جنوبی حذف شود در سایر شبکه‌ها مانند شبکه کشورهای آسیای میانه برای ترانزیت کالا و خدمات نیز جایگاهی نخواهد داشت. اما در مقابل ترکیه با استراتژی سازمان کشورهای ترک می‌کوشد نقش مهمی در معادلات آسیای میانه بازی کند و با ذکر و بیان مفاهیم و برنامه‌هایی چون "پانترکیسم" و "پان تورانیسم" با بن مایه‌های "اسلام‌گرایی" به سمت تاسیس و ساختن یک شبکه مهم

پیش رفته که تاثیرات بسیاری بر سایر شبکه‌ها دارد که البته با ورود آمریکا ممکن است این اقدامات با چالش‌هایی مواجه شود.

تمام این اقدامات باعث می‌شود که در این شبکه مرزها رو به زوال بروند و با قدرت یافتن بازیگران غیر دولتی، قدرت بازیگران قدیمی یعنی دولت‌ها کمتر شود و در نتیجه زوال مرزها شاهد مهاجرت‌های زیادی به سمت مناطق برخوردارتر و آبادتر خواهیم بود.

فهرست منابع فارسی

- زهرا پیشگاهی فرد و حسن نورعلی (۱۴۰۰)، بررسی نظریات مورد غفلت قرار گرفته در ادبیات ژئوپلیتیک ایران، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۵۳، شماره ۴، ۱۳۷۴-۱۳۵۳
- رضا دهقانی و علی درزلو (۱۴۰۳)، کریدور زنگه‌زور و شکل‌گیری نظم ژئوپلیتیک جدید در قفقاز. فصلنامه غرب آسیا، سال دوم، شماره ۲ (۵)
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۸)، گامی به سوی نظریه نوین ژئوپلیتیک شبکه‌ای و بازتولید قدرت در سیاست بین‌الملل، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۱، شماره ۴۳

List of English Resources

- Dumlu, H, & Şahin, G (2024), **Zengezur Koridoru ve Alternatif Çözümler: Türkiye İçin Riskler, Tehditler ve Fırsatlar**, *Avrasya İncelemeleri Dergisi*, 13, 2
- Gasımova, T., & Yurcu, M. E. (2023). **Zengezur koridoru'nun azerbaycan'ın dış ticaret ve lojistik faaliyetlerine olası etkilerinin swot analizi**, *Dumlupınar Üniversitesi İİBF Dergisi* (12)(12)
- Joseph Verbovszky, (2024), **Networked Geopolitics**, *The American Academy in Berlin*, <https://www.Americanacademy.de/networked-geopolitics/> 10,13
- Muhammad Estiak, Hussain, (2024), **What is the Relevance of Networked Deterrence in the Indo-Pacific?** the geopolitics, [https:// the geopolitics.com](https://thegeopolitics.com)
- Touraj Riazi, (2024), **The Geopolitics of Network Hegemony, NATO Association of Canada**, <https://natoassociation.ca/the-geopolitics-of-network-hegemony>
- ÖZSOY, B. (2024), **Azerbaycan'ın Ulaşım Hatları Politikası ve Zengezur Koridoru**, *Asya Studies*, 8 (29)
- Recep Tayyip Erdoğan, (2024), **Türk Devletleri Teşkilat 10 Zirvesi'nde Yaptıkları Konuşma**, T.C. Cumhurbaşkanlığı Kurumsal İnternet Sayfası, <https://www.tccb.gov.tr/konusmalar>
- Weir, P. (2020), **Networked Assemblages and Geopolitical Media: Governance**, Infrastructure and Sites in BBC Radio. *Geopolitics*, Volume 25, Issue 4
- yüce, m., & azizova, g. (2024), **Türk devletleri açısından zengezur koridoru'nun önemi**, *Türk Dünyası Akademik Bakış*, 4 (7)